

بررسی الزامات قانونی پلیس در امر مبارزه با مواد مخدر و روان گردان با تأکید بر پلیس زن

بختیار عباسلو^۱

چکیده

امروزه، نقش منفی و مخرب استعمال مواد مخدر و روان گردان در جوامع بشری بر کسی پوشیده نیست، زیرا این پدیده شوم ضمن این که باعث می شود بخش مهمی از نیروی فعال و خلاق جامعه از ایفای نقش خود در جامعه باز ماند، زمینه ساز ارتکاب جرایم و معضلات دیگری نیز برای جامعه می شود. بنابراین، برخورد و مقابله با این معضل در سرلوحه وظایف دستگاه قضایی و پلیس در کشورهای مختلف قرار دارد.

برای از بین بردن این معضل، ضمن شناسایی علل آن و برنامه ریزی برای از بین بردن علل مذکور، باید راهکارهای لازم جهت مقابله فوری با آن نیز مدنظر قرار گیرد. در این راستا، پلیس تکالیف ویژه ای بر عهده دارد. پلیس جهت مقابله با مواد مخدر و روان گردان ضمن رعایت موازین قانونی باید از روش های نوین استفاده نماید. با توجه به این که بخش مهمی از این جرم توسط زنان انجام می شود و به لحاظ الزامات شرعی و قانونی مقابله با این دسته از مجرمین، نقش پلیس زن در مقابله با این دسته از مجرمین در خور توجه است. مخصوصاً نقش پلیس به دلیل امکان برقراری ارتباط با خانواده قربانیان مرتبط با مواد مخدر می تواند از عواقب وخیم آن بر خانواده آنها جلوگیری نماید.

با توجه به این که پلیس امروزه بیش از پیش جهت ایفای وظایف خود، ملزم به رعایت

۱. استادیار دانشگاه علوم انتظامی

موازن قانونی است، شناسایی آن برای پلیس بسیار مهم است. موازن قانونی شامل وظایف و اختیارات پلیس جهت مبارزه با مواد مخدر و روان گردان می شود. البته با توجه به ویژگی خاص جرایم مرتبط با مواد مخدر که شامل مالکیت، حمل، هرگونه معامله اعم از معوض و بلاعوض و یا استعمال می شود، در مقایسه با سایر جرایم، مقابله با آن نیز متفاوت می باشد. هدف از تحقیق در این مورد تبیین الزامات قانونی پلیس در مبارزه با مواد مخدر می باشد. مهمترین سؤالاتی که در این مورد مطرح است، عبارتند از الزامات قانونی پلیس در جرائم مشهود و غیر مشهود و سیاست جنایی مبارزه با مواد مخدر و روان گردان چیست. روش تحقیق، کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل حقوقی می باشد. واژگان کلیدی: الزامات قانونی، مبارزه، مواد مخدر، مواد روان گردان، پلیس.

مقدمه و طرح مسئله

انسان ذاتاً موجودی لذت طلب است. او برای کسب لذت ممکن است به هر امری از جمله مواد مخدر متوسل شود. اندکی پس از تکرار این لذت طلبی بدفرجام شخص اعتیاد پیدا می کند. رفته رفته نه تنها از کار و اشتغال دست کشیده بلکه صرفاً به فکر ارضای لذت طلبی ناگوار خود می باشد. سپس تمامی غرایز خود را جهت استعمال مواد مخدر سرکوب و ویژگی های انسانی خود را از دست داده و برای تهیه مواد مخدر دست به هر جنایتی خواهد زد. علاوه بر لطماتی که به خود شخص معتاد وارد می شود، خانواده او نیز در معرض انواع آسیب های اجتماعی قرار می گیرند و غالباً به عنوان بزه کار یا بزه دیده منجر به اختلال در روابط اجتماعی می شوند. بنابراین، در مبارزه با این معضل خانمان برانداز تردیدی نیست. وقتی که مبارزه با مواد مخدر مطرح می شود اولین چیزی که به ذهن متبادر می شود پلیس است. البته مأموران پلیس به تنهایی قادر به کنترل و منع مواد مخدر نمی باشند (بلکستون، ۲۰۰۸: ۹۰). بلکه همکاری سایر سازمان ها و نهادها در زمینه های مختلف از جمله فراهم نمودن کلیه وسایل و امکانات لازم جهت مقابله بر اساس پیشنهاد پلیس می باشند.

پلیس در خط مقدم مقابله با آن قرار دارد. به تجربه ثابت شده اتکای پلیس به روش صرفاً

قهرآمیز هر چند لازم است، ولی کافی نمی باشد. شناخت علل و ریشه های این معضل و مقابله با آن نیز برای پلیس ضروری است.

سؤال تحقیق

سؤال اساسی در روش اثر بخش در مقابله با مواد مخدر و روان گردان است. سؤال دیگر در این مورد روش اثر بخش برخورد و مقابله پلیس مخصوصاً پلیس زن در این مورد می باشد. مبارزه پلیس با مواد مخدر در ابعاد مختلف از جمله مقابله با تولید، تجارت و سوداگری و مصرف آن می باشد. پلیس در این مورد با چالش های زیادی روبرو است از جمله استفاده قاچاقچیان از شرکدهای جدید، ایجاد تشکیلات و شبکه های داخلی و بین المللی حمل و قاچاق مواد مخدر و چالش دیگر پلیس حفظ حقوق بی گناهان در هنگام کشف جرم می باشد. ناگفته نماند که بهترین راه حل مقابله با مواد مخدر، شناسایی و مطالعه عواملی است که نقش ریشه ای و اساسی دارند. به عنوان نمونه اشتغال، توزیع عادلانه ثروت، ایجاد و توسعه مراکز علمی آموزشی و فرهنگی.

بنابراین، مبارزه جدی در این مورد مستلزم عزم جدی در دو بعد ریشه یابی آن و برنامه ریزی های دقیق و همه جانبه جهت از بین بردن عوامل مذکور و مبارزه جدی با تجارت و سوداگران آن با وضع قوانین دقیق و جامع در دو زمینه ماهوی یعنی جرم انگاری مؤثر و عادلانه و شکلی یعنی پیش بینی راهکارهای لازم جهت شناسایی عوامل مؤثر در جرایم مواد مخدر به منظور مجازات سریع و دقیق مجرمین مذکور از طریق وضع اختیارات لازم برای پلیس و تشکیل مراجع قضایی تخصصی متشکل از قضات متعهد و مجرب و ایجاد سیستم دادرسی عادلانه به دور از افراط و تفریط در این مورد می باشد.

علاوه بر این، دخالت تعداد زیادی از زنان در جرایم مواد مخدر در حال افزایش است. رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر ناجا از دستگیری ۴۱ هزار و ۲۳۷ قاچاقچی و توزیع کننده مواد مخدر خبر داد و از افزایش قاچاق مواد مخدر صنعتی ابراز نگرانی کرد. به گزارش جام جم، سردار حمیدرضا حسین آبادی در مرکز نظارت همگانی ناجا (۱۹۷) در حاشیه پاسخگویی

به تماس‌های مردمی به خبرنگاران گفت: از آغاز اجرای طرح امنیت اجتماعی (طی ۷۵ روز گذشته) که بخشی از آن به برخورد با سوداگران مرگ اختصاص داشت، ۴۱ هزار و ۲۳۷ نفر از عوامل تهیه و توزیع مواد مخدر در نقاط مختلف کشور دستگیر شده‌اند که از این تعداد ۱۲۰۰ نفر زن هستند. (<http://partab.org/?p=21300>)

همچنین رئیس پلیس فرودگاه‌ها افزود: در طول هفت ماهه سال جاری ۴۸۶ کیلوگرم انواع مواد مخدر از مسافران کشف شده که بیشتر آنها مسافران خارجی بوده‌اند. وی گفت: ۸۰ درصد از مواد کشف شده شیشه بوده است. حیدری افزود: در طول هفت ماهه ۲ هزار و ۷۴۴ نفر حامل و فروشنده مواد مخدر در فرودگاه‌ها دستگیر شده‌اند که ۳۳۶ نفر از دستگیرشدگان زن بوده‌اند. رئیس پلیس فرودگاه‌های کشور تصریح کرد: بیشتر مواد مخدر کشف شده در فرودگاه امام خمینی (ره) شیشه بوده است.

<http://www.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100889631167>

با توجه به گزارشات فوق نقش زنان در ارتکاب جرایم مرتبط با مواد مخدر مشخص می‌شود و تکلیف پلیس زن در مقابله با این دسته از مجرمین را آشکار می‌نماید.

هدف تحقیق

هدف از این تحقیق ارائه و تبیین روش اثر بخش مبارزه پلیس با مواد مخدر و روان‌گردان است. مشکل اساسی پلیس در اجرای وظیفه خود در این مورد عدم مطالعه و بررسی روش اثربخش در این خصوص و به تبع آن عدم برنامه‌ریزی لازم در این زمینه است.

روش تحقیق

روش تحقیق، روش کتابخانه‌ای است. با استفاده از منابع و نظرات محققین در این مورد، به تجزیه و تحلیل موضوع با اتکا به روش تجزیه و تحلیل حقوقی پرداخته شده است. در کشور ما بر خلاف برخی از کشورها مقررات خاصی در خصوص اختیارات و تکالیف پلیس در مبارزه با مواد مخدر وجود ندارد بلکه اختیارات و وظایف پلیس در این مورد بر اساس

مقررات عام مربوط به سایر جرایم تعیین می شود. اختیارات مذکور به دو دسته تقسیم می شود. اختیارات پلیس در جرم مشهود مواد مخدر و اختیارات پلیس در جرم نامشهود مواد مخدر.

تعریف مفاهیم اساسی

الزامات قانونی: مقصود از الزامات قانونی تکالیفی است که قانونگذار در قوانین مختلف از جمله قانون آیین دادرسی کیفری، قانون مبارزه با مواد مخدر و روان گردان و سایر قوانین مقرر نموده است.

مواد مخدر و روان گردان: مقصود کلیه جرایم مرتبط با مواد مخدر و روان گردان به شرح ذیل است: با اصلاح ماده ۴ و ۸ قانون مبارزه با مواد مخدر هر کس هر نوع مواد مخدر یا روان گردان های صنعتی غیر دارویی که فهرست آنها به تصویب مجلس شورای اسلامی می رسد را به هر نحوی به کشور وارد و یا به هر طریقی صادر یا ارسال کند یا مبادرت به تولید، ساخت، توزیع، فروش، نگهداری و یا حمل کند با رعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد مذکور به مجازات های مندرج در این ماده قانونی محکوم می شود.

همچنین با اصلاح ماده ۱۵ قانون، معتادانی که با مراجعه به مراکز دولتی یا خصوصی نسبت به ترک اعتیاد و اخذ گواهی تحت درمان و کاهش آسیب اقدام کنند از تعقیب کیفری معاف هستند و در غیر این صورت مجرمند، ضمن اینکه وزارت رفاه و تأمین اجتماعی موظف است هزینه های ترک اعتیاد را مشمول بیمه های پایه و بستری قرار دهد و دولت هم مکلف به تأمین اعتبارات لازم در لوایح بودجه سالانه است.

به موجب اصلاح ماده ۱۶ قانون و تصویب ۳ تبصره مربوط به آن، معتادان به مواد مخدر و روان گردان و متجاهر به اعتیاد با دستور مقام قضایی از یک تا ۳ ماه در مراکز دولتی و مجاز درمان نگهداری می شوند و بنا به نظر مقام قضایی تمدید این مدت بلامانع است که با درخواست مراکز مذکور معتادان موضوع این بند مکلف به اجرای تکالیف مراقبت بعد از خروج هستند که بنابر پیشنهاد دبیرخانه ستاد با همکاری دستگاه های ذیربط تهیه و به تصویب رئیس قوه قضاییه می رسد.

همچنین بر اساس تبصره دیگر ماده ۱۶ مقام قضایی می تواند برای یک بار با اخذ تأمین مناسب و تعهد به ارائه گواهی نسبت به تعلیق تعقیب به مدت شش ماه اقدام و معتاد را به یکی از مراکز موضوع ماده مزبور معرفی کند و مراکز مذکور موظفند ماهیانه گزارش روند درمان معتاد را به مقام قضایی یا نماینده وی ارائه کنند.

در صورت تأیید درمان و ترک اعتیاد با صدور قرار موقوفی تعقیب توسط دادستان، پرونده بایگانی و در غیر این صورت طبق مفاد این ماده اقدام می شود.

تمدید مهلت موضوع این تبصره با درخواست مراکز ذیربط برای یک دوره سه ماهه دیگر بلامانع است، ضمناً متخلف بدون عذر موجه از تکالیف موضوع مطروحه در این ماده به حبس از نود و یک روز تا شش ماه محکوم می شود.

با الحاق ماده ۱۷ به قانون چنانچه اتباع جمهوری اسلامی ایران با هر قصدی اقدام به نگهداری، حمل یا قاچاق هر مقدار مواد موضوع این قانون به داخل یا خارج از کشور کنند، از زمان قطعی شدن حکم به مدت یک تا پنج سال گذرنامه آنان ابطال و ممنوع الخروج می شوند و در صورت تکرار، به مدت پنج تا پانزده سال گذرنامه آنان ابطال و ممنوع الخروج می شوند. صدور هر گونه گذرنامه برای اتباع ایرانی که در خارج از کشور به سبب جرایم موضوع این قانون محکوم شده اند مشمول ممنوعیت موضوع این ماده است.

همچنین با تأیید و الحاق ماده ۱۸ به قانون هر کس برای ارتکاب هر یک از جرایم موضوع این قانون، اشخاصی را اجیر کند یا به خدمت گمارد و یا فعالیت آنها را سازماندهی و یا مدیریت کند و از فعالیت های مذکور پشتیبانی مالی یا سرمایه گذاری کند، در مواردی که مجازات عمل مجرمانه حبس ابد باشد به اعدام و مصادره اموال ناشی از ارتکاب این جرم و در سایر موارد به حداکثر مجازات عمل مجرمانه، محکوم می شود و مجازات سرکرده یا رئیس باند یا شبکه نیز اعدام خواهد بود.

طبق الحاق ماده ۳۵ این قانون هر کس افراد کمتر از ۱۸ سال تمام هجری شمسی و افراد محجور عقلی را به هر نحو وادار به مصرف و یا به ارتکاب هر یک از جرایم موضوع این قانون کند و یا به اجبار مواد مذکور را به شخصی تزریق کند، به یک و نیم برابر حداکثر مجازات قانونی همان

جرم و در مورد حبس ابد به اعدام و مصادره اموال ناشی از ارتکاب این جرم محکوم می شود و در صورت سایر جهات از جمله ترغیب، مرتکب به مجازات مباشر جرم محکوم می شود. همچنین با اصلاح ماده ۳۶ قانون در کلیه مواردی که در این قانون مرتکبان علاوه بر مجازات های مقرر به مصادره اموال ناشی از جرایم موضوع این قانون محکوم می شوند، دادگاه مکلف است مشخصات دقیق اموال مصادره شده یا دقیقاً در حکم یا در حکم اصلاحی قید کند و تخلف از مقررات مذکور موجب تعقیب انتظامی و محکومیت از درجه ۴ به بالا است. همچنین بر اساس تبصره این ماده محاکم موظفند رونوشت کلیه احکام صادره شده را پس از قطعیت به ستاد مبارزه با مواد مخدر ارسال دارند.

با تأیید ماده ۴۳ و الحاق آن با تصویب ۲ تبصره به قانون، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران اجازه دارد در چارچوب موافقت نامه های قانونی دو یا چند جانبه بین جمهوری اسلامی ایران و سایر دولت ها با مشارکت مأموران دیگر کشورها به منظور شناسایی مجرمان موضوع این قانون، ردیابی منابع مالی، کشف طرق ورود یا عبور محموله های قاچاق از کشور، کشف وسایل یا مکان کشت یا تولید یا ساخت مواد مذکور با تنظیم طرح عملیاتی و درخواست فرمانده نیروی انتظامی با حکم دادستان کل کشور محموله های تحت کنترل را در قلمرو داخلی و با موافقت سایر کشورها در قلمرو آن کشورها مورد تعقیب قرار داده و پس از تکمیل تحقیقات، گزارش اقدام را به دادستان کل کشور یا قاضی ای که او تعیین می کند تسلیم کند و هر گونه تغییر در طرح های عملیاتی مذکور در حین اجرا با مجوز کتبی دادستان کل کشور بلامانع است.

همچنین تبصره های ۱ و ۲ این ماده می افزاید: در هر حال احراز هویت مأموران دیگر کشورها در طرح عملیات الزامی است و ضبط، جایگزینی کلی و یا جزیی و یا اجازه عبور محموله های موضوع این ماده از کشور و یا اخذ، نگهداری، اخفاء، حمل و یا تحویل مواد مخدر و روان گردان صنعتی غیر دارویی و یا تهیه وسایل و تسهیل اقدامات مورد نیاز توسط ضابطان طبق موافقت نامه های قانونی دو یا چند جانبه و با رعایت کنوانسیون های الحاقی با حکم دادستان کل کشور بلامانع است، ضمن اینکه رسیدگی به اتهامات متهمان موضوع این ماده در مرحله دادرسی در صلاحیت مرجع قضایی است که از سوی دادستان کل

کشور تعیین می‌شود.

وزارت اطلاعات با الحاق ماده ۴۴ به قانون مکلف است ضمن جمع‌آوری اطلاعات لازم در زمینه شبکه‌های اصلی منطقه‌ای و بین‌المللی قاچاق سازمان یافته مرتبط با جرایم موضوع این قانون، در حوزه اختیارات قانونی نسبت به شناسایی و تعقیب آنها با حکم دادستان کل یا قاضی‌ای که او تعیین می‌کند اقدام و همچنین نسبت به ارائه سرویس اطلاعاتی به نیروی انتظامی و مراجع ذیصلاح نیز اقدام کند.

همچنین با الحاق ماده ۴۵ به این قانون، اصلاح این قانون توسط مجلس شورای اسلامی بلامانع است و طی تبصره موجود در این ماده فهرست مواد مخدر و روان‌گردان‌های مورد نظر این قانون افزون بر مواد مندرج در این قانون در قالب طرح یا لایحه در مجلس شورای اسلامی به تصویب خواهد رسید.

مواد مخدر و روان‌گردان: مقصود کلیه جرایم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان است. از جمله؛ مالکیت، کاشت، حمل.

گفتار اول - جایگاه پلیس زن در مبارزه با مخدر

پلیس سنتی به روش‌های خشونت‌آمیز متوسل می‌شود در حالی که پلیس با رویکرد نوین بر تمامی جنبه‌های پیشگیرانه توجه می‌نماید و واقف است اگر به اقدامات پیشگیرانه از جرم توجه ننماید بعداً با مشکلات بیشتری مواجه خواهد شد. همچنین می‌داند پلیس زن بهتر می‌تواند با بزه‌دیدگان مخصوصاً زنان و کودکان ارتباط برقرار نماید و از این طریق تا حدی زمینه ارتکاب جرایم بعدی را از بین می‌برد. علاوه بر این پلیس با رویکرد نوین می‌داند جرایم مرتبط با مواد مخدر از جرایمی است که مقابله و برخورد‌های قهرآمیز نمی‌تواند به عنوان عامل مهمی در پیشگیری کیفری نقش داشته باشد بلکه باید با برقراری ارتباط با بزه‌کاران و شناخت روحیات آنها و تشکیل پرونده شخصیتی برای آنها و حمایت از بزه‌دیدگان، ضمن کاستن از آلام آنها، زمینه بزهکاری آینده آنها را سلب کند و در این زمینه پلیس زن می‌تواند نقش مهمی در ارتباط با بزه‌دیدگان که اغلب از افراد ضعیف هستند داشته باشد.

علاوه بر این، در کشور ما به دلیل تعالیم شرعی و وضعیت فرهنگی و رعایت حریم مرد و زن، اهمیت نقش پلیس زن در کشف جرم در جرایم مواد مخدر و انتقال مجرمین و متهمین زن مشخص می‌شود.

گفتار دوم- آشنایی پلیس با موازین قانونی مرتبط با جرایم مواد مخدر

با توجه به یکی از تکالیفی که پلیس در راستای انجام وظایف خود در زمینه کشف جرم و مقابله با جرایم مشهود دارد آشنایی با اصل قانونی بودن جرایم و شناخت اقسام اعمال مجرمانه از جمله اعمال مجرمانه مربوط به مواد مخدر می‌باشد.

به موجب اصلاحیه اخیر قانون مبارزه با مواد مخدر با الحاق تبصره دو به ماده یک قانون، از این پس رسیدگی به جرایم مواد روان گردان‌های صنعتی غیر دارویی تابع مقررات رسیدگی به جرایم مواد مخدر است، همچنین در تمام بندها و مواد آن پس از عبارت «مواد مخدر» عبارت «یا روان گردان‌های صنعتی غیر دارویی» اضافه شد.

همچنین با اصلاح ماده ۴ و ۸ قانون هر کس هر نوع مواد مخدر یا روان گردان‌های صنعتی غیر دارویی که فهرست آنها به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد را به هر نحوی به کشور وارد و یا به هر طریقی صادر یا ارسال کند یا مبادرت به تولید، ساخت، توزیع، فروش، نگهداری و یا حمل کند با رعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد مذکور به مجازات‌های مندرج در این ماده قانونی محکوم می‌شود.

همچنین با اصلاح ماده ۱۵ قانون، معتادانی که با مراجعه به مراکز دولتی یا خصوصی نسبت به ترک اعتیاد و اخذ گواهی تحت درمان و کاهش آسیب اقدام کنند از تعقیب کیفری معاف هستند و در غیر این صورت مجرمند، ضمن اینکه وزارت رفاه و تأمین اجتماعی موظف است هزینه‌های ترک اعتیاد را مشمول بیمه‌های پایه و بستری قرار دهد و دولت هم مکلف به تأمین اعتبارات لازم در لوایح بودجه سالانه است.

به موجب اصلاح ماده ۱۶ قانون و تصویب ۳ تبصره مربوط به آن، معتادان به مواد مخدر و روان گردان و متجاهر به اعتیاد با دستور مقام قضایی از یک تا سه ماه در مراکز دولتی و مجاز

درمان نگهداری می‌شوند و بنا به نظر مقام قضایی تمدید این مدت بلامانع است که با درخواست مراکز مذکور، معتادان موضوع این بند مکلف به اجرای تکالیف مراقبت بعد از خروج هستند که بنابر پیشنهاد دبیرخانه ستاد با همکاری دستگاه‌های ذیربط تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

علاوه بر این، با تأیید ماده ۴۳ و الحاق آن با تصویب دو تبصره به قانون، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران اجازه دارد در چارچوب موافقت‌نامه‌های قانونی دو یا چند جانبه بین جمهوری اسلامی ایران و سایر دولت‌ها با مشارکت مأموران دیگر کشورها به منظور شناسایی مجرمان موضوع این قانون، ردیابی منابع مالی، کشف طرق ورود یا عبور محموله‌های قاچاق از کشور، کشف وسایل یا مکان کشت یا تولید یا ساخت مواد مذکور با تنظیم طرح عملیاتی و درخواست فرمانده نیروی انتظامی با حکم دادستان کل کشور محموله‌های تحت کنترل را در قلمرو داخلی و با موافقت سایر کشورها در قلمرو آن کشورها مورد تعقیب قرار داده و پس از تکمیل تحقیقات، گزارش اقدام را به دادستان کل کشور یا قاضی‌ای که او تعیین می‌کند تسلیم کند و هرگونه تغییر در طرح‌ها عملیاتی مذکور در حین اجرا با مجوز کتبی دادستان کل کشور بلامانع است.

همچنین تبصره‌های یک و دو این ماده می‌افزاید: در هر حال احراز هویت مأموران دیگر کشورها در طرح عملیات الزامی است و ضبط، جایگزینی کلی و یا جزئی و یا اجازه عبور محموله‌های موضوع این ماده از کشور و یا اخذ، نگهداری، اخفا، حمل و یا تحویل مواد مخدر و روان‌گردان صنعتی غیر دارویی و یا تهیه وسایل و تسهیل اقدامات مورد نیاز توسط ضابطان طبق موافقت‌نامه‌های قانونی دو یا چند جانبه و با رعایت کنوانسیون‌های الحاقی با حکم دادستان کل کشور بلامانع است، ضمن اینکه رسیدگی به اتهامات متهمان موضوع این ماده در مرحله دادرسی در صلاحیت مرجع قضایی است که از سوی دادستان کل کشور تعیین می‌شود. ضمناً پلیس زن نیز به دلیل اجرای مأموریت‌های محوله باید از قوانین مرتبط آگاهی داشته باشد.

گفتار سوم - اختیارات پلیس در جرم مشهود مواد مخدر

جرم مشهود جرمی است که یا در منظر ضابطین واقع می شود یا بلافاصله پس از وقوع جرم ضابطین حضور می یابند، یا اسباب و دلائل جرم در تصرف متهم یافت می شود، یا جهت نجات مجنی علیه و به تقاضای او ضابطین مکلفند اقدامات لازم را به عمل آورند. (عباسلو، ۲۲۴، ۱۳۸۶) بنابراین اگر پلیس اعم از پلیس زن یا مرد با یکی از مصادیق جرایم مشهود مواد مخدر برخورد نماید به عنوان مثال در صورت مشاهده داد و ستد مواد مخدر توسط اشخاص، کاروان های حمل مواد مخدر در مناطق مرزی و یا در حین انجام وظیفه در جرم مشهود دیگری به مواد مخدر برخورد نمایند، مکلف است به موجب ماده ۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری تمامی اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات و ادوات و آثار و علایم و دلائل جرم و جلوگیری از فرار متهم و یا تبانی نامبرده اقدامات لازم را به عمل آورند. در هر مورد که وقوع جرم مشکوک باشد ضابطین مکلفند قبل از اعلام مراتب به مراجع قضایی در اطراف موضوع تحقیق لازم را به عمل آورند و معلوم کنند که جرمی واقع شده است یا نه (آخوندی، ۱۳۸۴، ۴۶).

سؤالی که در این مورد مطرح می شود این است که اگر بنا به دلایلی مأموری در مواردی که قادر به بازرسی خودرو یا سایر مکان ها جهت کشف مواد مخدر نمی باشد اگر اقدام به چنین عملی نمود در این صورت مأمور مذکور چه تکلیفی دارد. در پاسخ باید گفت در چنین مواردی دو موضوع باید از یکدیگر تفکیک شود. در این مورد مأمور باید با جرم مربوط به مواد کشف شده به مثابه جرم مشهود برخورد نماید. ولی این اختیار مانع برخورد با نامبرده به دلیل نقض حریم خصوصی و عمل غیر قانونی نامبرده نخواهد بود.

سؤال دیگری در این مورد این است در صورتی که پلیس در خارج از ظرف زمانی و مکانی مأموریت خود با جرم مشهودی از جرایم مربوط به مواد مخدر برخورد نماید آیا جرم مذکور به عنوان جرم مشهود محسوب می شود؟ در پاسخ باید گفت در این صورت مشاهده مأمور مانند مشاهده سایر اشخاص تلقی می شود. ضمناً اگر متهم در جرم مشهود زن باشد به دلیل الزامات شرعی و قانونی باید پلیس زن اقدامات مربوط به دستگیری و بازداشت را انجام دهد.

گفتار چهارم - اختیارات پلیس در جرم نامشهود مواد مخدر

بند اول - بازرسی وسایل نقلیه

به موجب ماده ۶ قانون به کارگیری سلاح، تیراندازی به وسایل نقلیه به منظور متوقف ساختن آنها توسط مأموران موضوع این قانون در موارد زیر مجاز است:

الف - در صورتی که وسایل نقلیه بنا به قرائن و دلایل معتبر و یا اطلاعات موثق؛ مسروقه یا حامل افراد متواری یا اموال مسروقه یا کالای قاچاق یا مواد مخدر و یا به طور غیر مجاز حامل سلاح و مهمات باشد.

تبصره ۱: مأموران مذکور موظفند که در ایستگاه‌های ایست و بازرسی وسایل هشداردهنده به اندازه لازم (اعم از موانع، تابلو، چراغ گردان) تعبیه نمایند.

تبصره ۲: مأموران مذکور در صورتی می‌توانند به وسایل نقلیه تیراندازی نمایند که علاوه بر انجام امور تبصره یک با صدای رسا و بلند به راننده وسیله نقلیه ایست داده و راننده به اخطار ایست توجهی ننموده باشد. قانون به کارگیری سلاح، مأموران انتظامی در موارد زیر حق به کارگیری سلاح را دارند: با توجه به مقررات مذکور در جرایم نامشهود مواد مخدر پلیس صرفاً در ایستگاه‌های ایست و بازرسی (دائمی) قادر به متوقف نمودن و بازرسی وسایل نقلیه جهت کشف مواد مخدر را دارند. در سایر موارد چنین اختیاری را ندارند. یکی از اقداماتی که پلیس در کشف مواد مخدر گاهی به آن مبادرت می‌نماید ایجاد پست‌های بازرسی در خیابان و سایر معابر جهت بازرسی خودروهای عبوری است علاوه بر اینکه اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه‌های مشورتی متعددی بازرسی خودروهای عبوری توسط مأموران در این محل‌ها را بدون دستور مقام قضایی در جرایم نامشهود غیرقانونی دانسته، علاوه بر این دیوان عدالت اداری بخشنامه شماره ۱/۱۷۹/۱۰۲/۴۰ مورخ ۱۳۷۹/۴/۱۱ اداره کل قوانین و امور حقوقی ناجا که تفتیش و بازرسی خودروها را علی‌الاطلاق و در غیر جرایم مشهود بدون کسب اجازه مخصوص از مقام قضایی مجاز دانسته و حتی دستور مقام قضایی در زمینه خودداری از تفتیش و بازرسی غیرقانونی را قابل ترتیب اثر اعلام داشته است را ابطال نموده است (خالقی، ۱۳۸۹، ۷۰).

بند دوم- دام گستری پلیس در کشف جرایم مربوط به مواد مخدر با توجه به اینکه اغلب جرایم مربوط به مواد مخدر مخفیانه انجام می شود و پلیس در کشف این جرایم معمولاً ناکام می ماند، بنابراین بعضاً متوسل به روش های نفوذ در باندهای قاچاقچیان می شوند. این روش ها اصطلاحاً با عنوان دام گستری نامیده شده است. سؤالی که در این مورد مطرح می شود این است که آیا توسل به اینگونه روش ها در کشف مواد مخدر توسط پلیس از منظر حقوقی صحیح است یا خیر؟ عده ای این روش را مخالف موازین حقوقی می دانند زیرا وارد شدن پلیس در معاملات صوری یا استفاده از مخبرین خود نوعی تحریک به ارتکاب جرم تلقی و چه بسا در صورتیکه تحریک مذکور وجود نداشت چنین جرمی نیز صورت نمی گرفت. همچنین در پاسخ به این سؤال آیا گزارش ضابطین داد گستری در شرایطی که دلیل جرم را به واسطه اغفال مرتکب تحصیل کرده اند اعتبار دارد؟ مقررات کیفری ایران در این خصوص صراحتی ندارند، اما شاید بتوان از برخی مستندات حقوق اسلامی در زمینه کشف و تعقیب جرایم و نیز فحوای برخی مواد استفاده کرد. به عنوان مثال، در روایات بی شمار اخلاقی و فقهی - ناظر بر جرایم و خطایای شخصی - شخص خطاکار، مردم و حاکم (قاضی)، به ستر گناه و پوشاندن خطا ترغیب شده اند.

(جعفریان یزدی، <http://www.feqvahuquq.org/doc/articles/>)

علاوه بر این کشف جرم نباید به قیمت نقض حقوق اشخاص توسط پلیس و از طریق اقدامات فریبکارانه صورت گیرد. اما نظر دیگری که در این مورد مطرح می شود تجویز چنین اقداماتی توسط پلیس برای کشف جرایم مربوط به مواد مخدر است. ولی به نظر می رسد باید در این مورد قایل به تفصیل شد به گونه ای که دسته ای از جرایم مواد مخدر که ناشی از تحریک در این مورد هستند از قبیل خرید و فروش و حمل را باید به دلیل اینکه اگر تحریک در زمینه های مختلف مخصوصاً معاملات صوری توسط مأمورین را حذف نماییم جرم مذکور نیز حذف می شود بنابراین در این مورد باید این دسته از اشخاص را از اعداد مجرمین حذف نماییم. ولی در مورد دسته دیگری از اشخاص که با حذف تحریک، جرم آنها قابل حذف شدن نمی باشد. ضمناً در جرم نامشهود مأمورین باید رعایت ماده ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی مبنی بر عدم

نقض حریم خصوصی را بنمایند. در این مورد باید دستور مقام قضایی را اخذ و دقیقاً وفق آن عمل نمایند. به عنوان مثال اگر مقام قضایی نمایندگی ورود به منزلی را برای روز صادر نموده باشد ولی مأمورین در شب وارد شده باشند عمل آنان مشمول ماده ۵۸۰ قانون مذکور خواهد بود زیرا رعایت ترتیب مستلزم اقدام طبق دستور قاضی بوده که خلاف آن عمل شده و اذن نیز تحصیل نگردیده است. بدیهی است چنانچه بر خلاف دستور قاضی عمل شود ولی ورود به منزل بدون قهر و غلبه و با اجازه صاحبخانه باشد موضوع مشمول ماده مذکور نخواهد بود.

در بعضی کشورها اگر پلیس بنا به دلایل معقولی نسبت به شخصی مظنون شود ممکن است نامبرده را بازرسی نموده و در صورت داشتن اموال ممنوعه از جمله مواد مخدر او را بازداشت نماید (jansander, 2002, 7). علاوه بر این پلیس ممکن است همین عمل را نسبت به هر وسیله نقلیه‌ای انجام دهد. (Ibid, 13)

همچنین پلیس ممکن است در این مورد سگ‌های مواد یاب را مورد استفاده قرار دهد. (Ibid, 16)

ملاحظه می‌شود در مقایسه با سایر کشورها اختیارات پلیس کشورمان در این مورد کافی نیست.

گفتار پنجم - سیاست جنایی حاکم بر مبارزه پلیس با مواد مخدر

سیاست جنایی به سه نوع تقسیم می‌شود: ۱. قانونی ۲. قضایی ۳. اجرایی. قانونی: سیاست جنایی قانونی عبارت است از فعالیت مقنن و مقررات و اصولی که در قوانین عادی با الهام از قانون اساسی توسط مقنن پیش‌بینی می‌شود. قضایی و اجرایی: سیاست جنایی در این نوع سیاستی است که رنگ و جنبه انسانی داشته و از طریق ابزارهای انسانی چون قضاوت دادگستری و مأمورین (ضابطین) اجرا می‌شود. البته باید این موضوع را پذیرفت، در این مرحله سیاست جنایی رنگ انسانی به خود می‌گیرد تا حدودی از هدف و غرض سیاست جنایی قانونی دوری می‌گزیند؛ زیرا، به هر حال انسان در کنار این هدف طرز و سلیقه خود را نیز ملحوظ خواهد کرد.

(نجفی ابرندآبادی، http://www.ir.lawstudy.com?option=com_content&view=article&id=...)

با توجه به این که پلیس در امر مبارزه با مواد مخدر خواه نا خواه از سیاست جنایی خاصی تبعیت می کند، در سؤال پاسخ به این مفروض که پلیس از چه سیاست جنایی باید تبعیت نماید باید گفت امروزه پلیس برای مبارزه با مواد مخدر با دو سیاست مهم و مطرح مواجه است. الف- سیاست پنجره شکسته: در دهه های ۷۰ و ۸۰ رشد قابل توجه جرایم و جنایات شهری در امریکا، مقامات را بر آن داشت تا به طور ریشه ای با آن به مقابله برخیزند. دو محقق به نام های جیمز ویلسون، دانشمند علوم سیاسی و جرج کلینگ، جرم شناس به این موضوع پرداختند که حاصل مطالعات آنان در سال ۱۹۸۲ تحت عنوان «نظریه پنجره شکسته» منتشر شد. مضمون نظریه آنان چنین بود:

«اگر شیشه یکی از پنجره های ساختمانی شکسته و به حال خود رها شده باشد، پس از مدتی عابری که از مقابل آن ساختمان می گذرند به این نتیجه می رسند که برای کسی مهم نیست که این پنجره شکسته است و کسی به شکسته شدن پنجره های این ساختمان اهمیت نمی دهد. به مرور عابران بر تعداد شیشه های شکسته ساختمان می افزایند و بعد از شکسته شدن تمام شیشه ها، نوبت به خود ساختمان می رسد. بعد از ساختمان هم نوبت به خیابانی که ساختمان در آن قرار گرفته می رسد و بعد شهر و...» (محمدبیگی خورتابسرا، <http://yazdanmb.ir/post/39/persianblog>).

ب- سیاست تسامح صفر: از حدود پانزده سال پیش، ایالات متحده آمریکا جهت مبارزه با افزایش روزافزون خشونت در دهه نود، سیاستی به نام تسامح صفر را اتخاذ نموده است. این سیاست پاسخی بود به نگرانی شهروندان در مورد امنیت مدارس، مبارزه با حمل سلاح و مواد مخدر و آشوب و رفتارهای ضد اجتماعی. تأکید این سیاست بیشتر بر کشف تمامی جرایم از طریق بازرسی هرچه بیشتر شهروندان است؛ چیزی که تا اندازه ای در تضاد با حقوق شناخته شده شهروندی در جوامع غربی است و به همین جهت به شدت مورد انتقاد نیز قرار گرفته است. سیاست تسامح صفر از حیث ارزیابی نتایج حاصله نیز دارای

موافقان و مخالفانی است و گزارشات مثبت و منفی در این مورد وجود دارد نکته مهم‌تر این که در زمانی که منابع پلیس محدود و جرم انگاری گسترده باشد، وعده به تسامح صفر دقیقاً یک دروغ است. پلیس احتمالاً نمی‌تواند تمام مجرمین خرده پا را به طور هم زمان تعقیب کند و زندان‌های نیویورک آن قدر بزرگ نیست که بتواند تمامی مصرف کنندگان ماری جوانا را در خود جای دهد. به جای تسامح صفر واقعی، پلیس باید به طور اجتناب ناپذیری نیروی خود را بسنجد تا در یابد منابع محدود خود را کجا متمرکز کند. نتیجه کار اعاده همان سیستم دوگانه قدیمی در مورد محلات پایین شهر بود (یعنی تسامح بیشتر با جرم در برخی محلات). اینک مردم در محلات مرفه در بالای شهر می‌توانند با مصونیت کامل رفتارهای ناشایست داشته باشند، در حالی که در مناطق پایین شهر موظف به رعایت دقیق‌ترین معیارها هستند. این مسئله اعتراضات زیر را به دنبال دارد: چرا به موجب سیاست تسامح صفر مصرف کنندگان ماری جوانا در محله برونکس (Bronx) دستگیر می‌شوند، در حالی که در محله‌های ثروتمند مانهاتان افراد بدون ترس از دخالت پلیس مرتکب همان کار می‌شوند. یک راه برای اجتناب از این تبعیض این است که به جای این که منحصرأ بر بازارهای آزاد مواد مخدر در بروکلین، هارلم و برونکس متمرکز شویم، تسامح صفر را به شکل واقعی نسبت به فقیر و غنی بپذیریم و از دستور بازرسی و تحقیق با وسایل پیشرفته برای غافلگیر کردن سفید پوستانی که در آپارتمان‌هایشان در مانهاتان و خانه‌های ییلاقی خارج شهر مواد مخدر مصرف می‌کنند استفاده کنیم. چنین راهبردی همان گونه که در خیابان فلات بوش موجب تظاهرات شدید شد، در خیابان پارک (Park Avenue) نیز موجب تظاهرات خواهد شد و به همین دلیل است که هیچ‌گاه اجرا نخواهد شد و چنین تظاهراتی نیز هیچ‌گاه رخ نخواهد داد.

راه‌حل بهتر آن که جز در محله‌های با جرایم بالا که تسامح صفر از حمایت سیاسی برخوردار است در سایر موارد از این عبارت گمراه‌کننده تسامح صفر دست برداریم. طی تجربه‌ای در اوائل سال گذشته که کمتر مورد توجه قرار گرفت اما بسیار موفق بود، پلیس محله تجاری سی و سوم خیابان ۱۶۳ غربی در واشنگتن هیتس (Heights Washington) را به عنوان

یک بلوک ساختمانی نمونه (block Model) اعلام نمود. پلیس در آن جا یک گردهم آیی عمومی ترتیب داد و راهبرد خود را برای خلاص شدن از دست دلالان مواد مخدر توضیح داد. آنها سپس یک حفاظ در دو طرف این بلوک ساختمانی نصب کردند، کارت شناسایی رهگذران اتفاقی را کنترل کردند و حتی در مورد کوچک ترین تخلفات تحقیق کردند. به محض این که مزایای این اقدامات روشن شد جرایم ۲۰٪ تقلیل یافت و ساکنان از پلیس خواستند حفاظها و موانع برداشته نشود.

تجربه واشنگتن هیتس تأیید می کند شهرهایی که راهبرد پنجره های شکسته را با موفقیت انجام داده اند از دیرباز پی برده اند که در اجرای قانون دقیقاً به همان اندازه که جامعه شناسی مهم است سیاست نیز مهم است. دان کاهان (Kahan Dan) از دانشکده حقوق یل (Yale) می گوید: حفظ نظم دارویی است که اثر ابتدایی آن تقلیل جرم است اما عوارض جنبی آن ممکن است تنش های سیاسی را وخیم تر کند. در بوسطن (Boston) اداره پلیس برای کمک به اعضای باندهای جنایی ۸ و کشیش های کلیساهای سیاهان اعلام آمادگی کرد تا حمایت جامعه را از سیاست های تهاجمی به منظور کاهش خشونت های مسلحانه به دست آورد. در شیکاگو شورای شهر قانون «ضد پرسه زنی باندها» را تصویب کرد که از جانب محله های سیاه پوست نشین شهر مورد حمایت اساسی قرار گرفت.

کاهان (Kahan) می گوید: «تنها راه برای این که حفظ نظم را حضوری ماندگار ببخشیم این است که مطمئن شویم مردمی که تحت این نظم زندگی می کنند خود نقشی در این روند دارند به گونه ای که احساس نکنند تحت کنترل یک ارتش اشغالگر هستند». (جفری رسن، ۱۳۸۹، ۵) در مقایسه دو سیاست پنجره شکسته و تسامح صفر باید گفت بر اساس نوع اول پلیس به محض روبرو شدن با هر نوع جرمی از جرایم مرتبط با مواد مخدر باید بلافاصله وارد عمل شده و منتظر شکستن شیشه های بعدی پنجره نگردد ولی بر اساس سیاست تسامح صفر پلیس بدون اینکه منتظر ارتکاب جرمی در ارتباط با مواد مخدر بماند باید در بعضی جاهای جرم خیز با هر نوع تخلف جزئی که بعداً زمینه ساز جرایم مواد مخدر می گردد برخوردی قاطع داشته باشد. به نظر می رسد پلیس در این مورد باید سیاست تلفیقی در پیش گیرد یعنی در عین حال که

سیاست پنجره شکسته را اعمال می‌نماید باید در بعضی جاهای جرم خیز نیز سیاست تسامح صفر را نیز مد نظر قرار دهد.

البته در تعریف سیاست جنایی افتراقی به معنی عام می‌توان گفت «سیاست جنایی افتراقی» در قلمرو مواد مخدر بر پایه تمایز میان دو پدیده مصرف و قاچاق، از یافته‌های «جرم‌شناسی» و «بزه‌دیده‌شناسی» که شاخه‌ای از آن محسوب می‌شود تأثیر پذیرفته است؛ به گونه‌ای که حتی در کشورهایی که پدیده مصرف جرم شناخته می‌شود نیز حقوق کیفری مواد مخدر براساس همین دیدگاه از سیاست درمان و بازپروری در مورد معتادان، و سیاست سرکوب درباره قاچاق چیان پیروی می‌کند. بنابراین، باید گفت «سیاست جنایی در قبال مواد مخدر» یک رویکرد کلان به این پدیده است که از طریق اعمال پاسخ‌های گوناگون در قالب آیین‌های متنوع دادرسی در مراجع مختلف قضایی، اداری، انتظامی در کنار جامعه مدنی، به کنترل جرایم مواد مخدر می‌پردازد.

(اسعدی، http://www.aftab.ir/view/articles.php?pl_drugs_addictive_c4c1241686028)

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

الف - نتیجه‌گیری

هر چند امر مبارزه با مواد مخدر نیازمند عزمی ملی و همکاری کلیه دستگاه‌ها و نهادهای دولتی اعم از قضایی، انتظامی و غیره دارد، ولی در این مورد پلیس از ویژگی خاصی برخوردار است. پلیس جهت اجرای این وظیفه مهم خود با آشنایی از اختیارات قانون و ضمن مطالعه شگردهای مجرمین در ابعاد مختلف از جمله حمل و نقل، داد و ستد و مصرف راهکارهای لازم را متناسب با شیوه و شگرد مربوطه در پیش گیرد. در صورتی که پلیس در این مورد برخوردی منفعلانه داشته باشد توفیقی در انجام وظیفه خود نخواهد داشت. پلیس در جرایم نامشهود مرتبط با مواد مخدر از جمله بازرسی وسایل نقلیه صرفاً در ایستگاه‌های بازرسی ثابت و در صورتی که قرائنی در ارتکاب جرم وجود داشته باشد چنین اختیاری دارد. همچنین دامگستری

پلیس از قبیل معاملات صوری در صورتی جایز است که اقدام مذکور تأثیری در ارتکاب جرم نداشته باشد در غیر این صورت مجاز نیست. علاوه بر این نقش پلیس زن در مبارزه با مجرمین زن در این مورد مخصوصاً در کشورمان به دلیل محظورات اخلاقی و شرعی پلیس مرد در مبارزه با این دسته از مجرمین حایز اهمیت است و باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

ب - پیشنهادها

پیشنهاد می شود در آموزش های پلیسی، رشته پلیس مواد مخدر نیز مورد توجه قرار گیرد و به دلیل اهمیتی که مبارزه با مواد مخدر در بین سایر جرایم دارد به تخصصی نمودن رشته پلیس مواد مخدر توجه خاص شود.

پلیس در امر مبارزه با مواد مخدر باید سیاست جنایی خود را مبتنی بر مبارزه قاطع با بروز هر نوع جرم مرتبط با مواد مخدر و علاوه بر این مبارزه بدون اغماض با جرایمی هر چند کم اهمیت که زمینه ساز جرایم مواد مخدر می شود، قرار دهد.

پیشنهاد می شود قانون خاصی در خصوص اختیارات و وظایف پلیس در امر مبارزه با مواد مخدر با رویکرد در نظر گرفتن اختیارات خاص برای پلیس جهت برنامه ریزی با توجه به منطقه خاص جغرافیایی و بافت جمعیتی در امر مقابله با مواد مخدر و توسعه اختیارات پلیس در این مورد تصویب شود.

منابع

- آخوندی، محمود، (۱۳۸۴) آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، .

- اسعدی، سید حسن

- http://www.aftab.ir/articles/view/social/law/c4c1241686028-addictive_drugs_p1.php

- خالقی، علی، (۱۳۸۹) آیین دادرسی کیفری، موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر

دانش، چاپ هشتم ۱۳۸۹.

- جفری رسن / ترجمه: جلال الدین قیاسی، «فصلنامه فقه و حقوق»، شماره ۴.

- جعفریان یزدی، جعفر، دام گستری؛ مفهوم، مبانی و جایگاه آن در حقوق کیفری ایران.

<http://www.feqvahuquq.org/articles.53/doc>

- عباسلو، بختیار، (۱۳۸۶) «حدود اختیارات ضابطین داد گستری در جرایم مشهود»، فصلنامه

مدیریت دانش انتظامی، شماره دوم.

- محمدی خورتابسرا یزدان، پنجره شکسته،

<http://yazdanmb.persianblog.ir/post.39/>

- مهاجری، علی، (۱۳۷۹) جرایم خاص کارکنان دولت، سازمان انتشارات کیهان.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جزوه تاریخ تحولات کیفری،

[http://www.lawstudy.ir/index.php?option=com_content &view=](http://www.lawstudy.ir/index.php?option=com_content&view=)

[article&id=237](http://www.lawstudy.ir/index.php?option=com_content&view=article&id=237) = Jansanders solicitor shopront youth legal center

،The law enforcement act - 2002، <http://partab.org/?p-21300> =